

# ارائه مدل از عوامل تاثیر گذار بر مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار نواحی شهری (مطالعه موردی: شاغلین دستگاه‌های اجرایی شهر اراک)

فاطمه عراقیه فراهانی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهرداد نوابخش<sup>۱</sup>

استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ابراهیم متقی

استاد علوم سیاسی، گروه آموزشی روابط بین‌المللی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۳ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۳۰

## چکیده

مقاله حاضر با هدف ارائه مدل عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار نواحی شهری به اجرا درآمد. در این تحقیق توسعه شهری کلانشهر اراک به عنوان مطالعه موردی مورد توجه بوده است. جامعه آماری را شاغلین دستگاه‌های اجرایی شهر اراک در سال ۱۳۹۸ تشکیل داده است. حجم نمونه به موجب جدول نمونه‌گیری مورگان ۳۶۱ نفر بوده است که به شیوه‌ی طبقه‌بندی سهمیه‌ای تصادفی‌گزينش گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها را مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و پرسشنامه مجریان دستگاه‌های اجرایی تشکیل داد. روایی و پایایی پرسشنامه از طریق آزمونهای تحلیل عاملی و کرونباخ تایید گردید، کسب ضریب بالایی ۰/۷۰ در هر دو مورد گویای ثبات اندازه‌گیری آنها بوده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها عبارتند از: بهره‌برداری از شاخص‌های آمار توصیفی، آزمون‌های معادلات ساختاری، آزمون سوبل. در این راستا از نرم‌افزار PLS برای آزمون مدل تحقیق و فرضیه‌ها استفاده گردید. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که هر یک از مجموعه عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی با توسعه پایدار شهری رابطه وجود داشته است. ولی بین عوامل سیاسی با میانجیگری مشارکت اجتماعی-سیاسی با توسعه پایدار شهری رابطه وجود نداشته است. در عین حال مجموعه عوامل مؤثر بر مشارکت‌های سیاسی-اجتماعی بر توسعه پایدار شهری تاثیر مثبت داشته، مدل این اثرگذاری نیز آزمون و ارائه گردید.

**واژگان کلیدی:** عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، توسعه پایدار، مشارکت سیاسی-اجتماعی

## مقدمه

مفهوم توسعه پایدار و الزامات آن در دوران معاصر مورد توجه صاحب نظران و پژوهشگران قرار گرفته و ابعاد اجتماعی و سیاسی آن در مطالعات جامعه شناختی اولویت یافته است. نخستین پدیده تأثیرگذار در توسعه پایدار مشارکت سیاسی - اجتماعی می باشد. مشارکت به معنای شرکت کردن در یک موقعیت زندگی اجتماعی و درگیر شدن در فعالیت‌های گوناگون است که واجد سه مؤلفه‌ی داوطلبانه بودن، یاری دادن و مسئولیت‌پذیری است. بنابراین مشارکت، جزء ضروری جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره‌ی هر فرد بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است (Azad, 2002). مشارکت شهروندان، زندگی در شهر و سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به آن را برای آحاد افراد جامعه معنادار کرده، آن‌ها را متقاعد و آماده‌ی مشارکت و سهیم شدن در اداره‌ی شهر می‌کند و حس تعلق به شهر و محله را در آن‌ها تقویت می‌نماید (Azkia, 2016). به هر حال در شرایطی که اعضای جامعه در زندگی روزمره خود با مسائل و مشکلات بسیار و منابع محدود مواجه هستند، مشارکت، بیشترین سهم و نقش را در رویارویی با مسائل و مشکلات و کاهش آن‌ها دارد؛ زیرا راهبرد مورد نظر در مشارکت مردمی به ویژه در قالب شکل‌گیری انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی در مقیاس‌های محلی و فرا محلی، آزادسازی انرژی آن‌ها و استفاده از پتانسیل‌های محلی به منظور دسترسی به منابع و توان بیشتر برای حل مشکلات فعلی و پیش‌رو است (Navabakhsh, 2013). افزون بر این، آگاهی از نیازها و خواسته‌های شهروندان، تمرکززدایی و حرکت به سوی واگذاری امور، اولویت فضاهای فرهنگی - اجتماعی، آموزش فرهنگ شهرنشینی و بهره‌وری بهینه از امکانات و تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار شهری که به عنوان اصول کلیدی مدیریت شهری از آن‌ها یاد می‌شود (Rigi, 2020)، بدون مشارکت مردم و تحقق حکمروایی شهری امکان‌پذیر نیست (Bashrieh, 2018). اگرچه در کشور ما، به لحاظ تاریخی، مفهوم مشارکت و معادل‌های بومی آن نظیر تعاون و همیاری سابقه‌ای طولانی در حیات اجتماعی و فرهنگی مردم دارد، برداشت مدرن از مشارکت که مبتنی بر اصالت عمل اجتماعی است نه تنها سابقه چندانی ندارد، بلکه به نظر می‌رسد در عرصه‌های مختلف به هیچ وجه در عرصه‌های مختلف نهادینه نشده است. مشارکت در اندیشه و عمل مردم و مسئولان، حداکثر تا سطح یک رفتار بازتابی نه چندان فعال مبتنی بر اهداف ابزار گرایانه که بیشتر در موقعیت‌های ویژه - عمدتاً سیاسی - و در پاسخ به درخواست‌های مشروعیت خواهانه مسئولان، تقلیل یافته است (Hormoz, 1997).

با مطالعه سیر تکاملی جوامع بشری مشاهده می‌شود که پیشرفت و توسعه پایدار هنگامی میسر شده است که انسانها در جریان زندگی خود با یکدیگر مشارکت و همکاری داشته‌اند (Rahimi, 2020). شهر به عنوان سیستمی به هم پیوسته از عناصر انسانی و طبیعی، مؤثرترین فضا در ارائه امکانات و خدمات رفاهی و زیستی به اجتماعات انسانی است (Fakuhi, 2006). توسعه شهری عبارت است از ارتقای سطح زندگی افراد از ابعاد مختلف در جهت دستیابی همه شهروندان به زندگی بهتر است که لازمه تحقق آن، می‌تواند تقویت مشارکت مردمی باشد. مهم‌ترین بخش در توسعه شهری، شهروندان می‌باشند (Aron, 2017).

امروزه توسعه پایدار در سطح جهانی به یک گفتمان تبدیل گردیده، تصویب پروتکل‌های بین‌المللی، کشورها را بر آن داشته است تا در اجرای طرح‌های توسعه‌ای خود شاخص‌های توسعه پایدار را لحاظ نمایند. جامعه‌ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده، مجریان طرح‌های توسعه‌ای درصدد پرداختن به این شاخص‌ها برآمده‌اند (Hoseini, 2020). چنین رویکردی مستلزم جلب توجه مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان اعم از حقیقی و حقوقی می‌باشد (Cheng, 2017). می‌توان گفت که مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم در امور شهر می‌تواند در ایجاد توسعه متوازن شهری نقش ارزنده‌ای ایفا نماید. رابطه شهر و شهروندی دوسویه است، انسان‌ها در طول حیات اجتماعی خود می‌توانند در توسعه محیط شهری و زیست محیطی خود نقش بسزایی داشته باشند. ضرورت و اهمیت مطالعه‌ای نظم یافته مبتنی بر مشارکت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به منظور دستیابی به توسعه پایدار شهری بر کسی پوشیده نیست. ولی آن چه مهم است بهره‌برداری از یافته‌های کاربردی آن در قلمرو سرزمینی است. قلمروی شهری نیز نیاز جدی به یافته‌هایی از این دست داشته است (Navabaksh, 2015).

ایجاد انگیزه در مردم برای توسعه پایدار امر بسیار حیاتی و پیچیده‌ای است که مدیران باید بکوشند بر مبنای شناخت بافت اجتماعی جامعه خود، الگوی بومی مناسب و جلب مشارکت‌ها را به سامان برسانند. افزایش سرمایه اجتماعی و فرهنگی، اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، وجدان فردی و اجتماعی، ارزیابی رضایت‌مندی عمومی به صورت سالانه موجب ایجاد تعامل بیشتر مردم با حوزه مدیریت شهری خواهد شد. این‌که مردم بتوانند بازخورد پرداخت مالیات‌ها، عوارض و بیمه‌های پرداختی خود را ببینند، خود بهترین سند برای اقدامات مؤثر بعدی آن‌ها خواهد بود. مطالعه‌ای که زمینه‌های چنین انگیزشی را فراهم و اشاعه دهد در تقویت مشارکت‌های نهادی مردم ضروری و اثرگذار خواهد بود (Navabaksh, 2008).

کلان شهر اراک به دلایل صنعتی بودن، گسترش شهری، مهاجرپذیری، حاشیه نشینی، وجود خرده فرهنگ‌ها، و احراز رتبه نخست نارضایتی عمومی مردم در کشور در سال ۱۳۹۶ از ویژگی‌های خاصی برخوردار است و مطالعه عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی - اجتماعی آن اولویت یافته و نتایج حاصل از اجرای این تحقیق می‌تواند مورد استفاده مجریان طرح‌های توسعه پایدار در این شهر قرار گیرد. در نهایت می‌توان گفت ضرورت انجام چنین مطالعه‌ای از نگاه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در شهر اراک ضرورت داشته، یافته‌های این مطالعه می‌تواند برای دست‌اندرکاران و مجریان طرح‌های توسعه‌ای کاربرد داشته باشد و بی‌اعتنایی به یافته‌هایی از این دست موجب بروز خسارت‌های مادی و معنوی و تضعیف سرمایه اجتماعی در شهر اراک خواهد شد. بر این اساس، توجه به میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان و تاثیر عوامل مؤثر بر آن در شهری نظیر شهر اراک که به دلیل برخورداری از جایگاه اقتصادی و موقعیت خاص استراتژیک در استان مرکزی و کشور، هرچه سریع‌تر باید به توسعه و استانداردهای شهری دست یابند، امری ضروری است. علاوه بر این، ویژگی‌های شهر اراک که به دلیل مهاجرپذیری بودن از ترکیب و بافت جمعیتی، فرهنگی، اجتماعی و قومی نامتجانسی برخوردار است، اهمیت مسأله را دوچندان می‌کند. در همین راستا، مسؤولان شهر اراک بارها به این نکته اشاره و تأکید کرده‌اند که برای رسیدن به جایگاه مناسب شهر از لحاظ

توسعه، باید شهروند محوری را جزء اصول کاری خود قرار داد. با توجه به مطالب بیان شده، در پژوهش حاضر در پی بررسی این پرسش هستیم که عوامل تاثیر گذار بر مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان در اجرای طرح های توسعه پایدار نواحی شهری کدامند؟

این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی محسوب می‌شود. و به لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها آمیخته یا ترکیبی می‌باشد. از آنجا که در این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان در دستور کار قرار داشته است. در این راستا از روشهای اسنادی و کیفی بهره‌برداری گردیده و با خبرگان مصاحبه بعمل آمده و از روش کیفی پیروی شده است. آن بخش از تحقیق که رابطه مشارکت سیاسی اجتماعی بر توسعه پایدار شهری را مورد بررسی قرار می‌دهد. از روش تحقیق کمی و توزیع پرسشنامه بین شهروندان پیروی شده است. در واقع مشارکت سیاسی اجتماعی نقش میانجی را بین عوامل مؤثر بر مشارکت و توسعه پایدار شهری را داشته است. با توجه به این رویکردها روش تحقیق آمیخته بوده است. روش گردآوری داده‌ها میدانی بوده در این راستا اجرای مصاحبه ی نیمه ساختار یافته و پرسشنامه شهروندان در دستور کار قرار گرفت. در این تحقیق از دو ابزار مصاحبه با خبرگان و پرسشنامه شهروندان شاغل در ادارات دولتی استفاده شده است. ویژگی‌های این ابزارها بدین شرح می‌باشد.

#### رویکرد نظری

تحقیقات مختلفی در داخل و خارج از کشور در موضوع مقاله انجام شده و نتایج مختلفی را به همراه داشته است. Azad & et al (2019) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه بین هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های توسعه پایدار در سطح پایین تر از متوسط قرار داشته است. در عین حال این مؤلفه‌ها تأثیر قوی و معناداری بر توسعه پایدار شهری داشته است. به موازات این تأثیر رابطه‌ی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی یا مؤلفه‌های توسعه پایدار مثبت ارزیابی شده است.

Barzegar & et al (2019) نشان دادند بین شاخص‌های پایدار اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک شمال کشور با سطح استاندارد فاصله وجود دارد. بیشترین پایداری مربوط به مؤلفه‌های ثبات اقتصادی و کیفیت زندگی بوده است. پایداری اجتماعی - اقتصادی خانوارهای شهرهای کوچک شمال ایران در سطح متوسط به پایین تر قرار داشته است. راهبرد ارتقای پایداری اجتماعی - اقتصادی در خانوارهای شهرهای کوچک شمال ایران عبارتند از: افزایش کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی.

Badiee & et al (2019) به این نتیجه رسیدند که قوت‌ها و فرصت‌های داخلی توسعه پایدار در سطح قابل قبولی بوده است، درحالی‌که برای غلبه بر ضعف‌ها و تهدیدهای موجود بهره‌برداری نشده است. به همین دلیل ضعف‌ها بر قوت‌ها غلبه داشته و تهدیدها بر فرصت‌ها غالب بوده‌اند. راهبرد معرفی شده در جهت رفع این نقصان اعمال مدیریت یکپارچه محیط‌زیست و ارزیابی مداوم SWOT در این مدیریت پیشنهاد شده است.

Amoozad & et al (2018) به این نتیجه رسیدند، که بیشترین نقش مؤثر در بهبود عملکرد مدیریت بحران مربوط به شاخص رضایت از عملکرد شهرداری و سازمان های محلی و مدیریت بحران (۱۷/۳۴) و بسترهای

زیرساختی (۱۵/۸۸) است در نهایت اینکه موفقیت یک برنامه تا اندازه زیادی به نقش مردم و نحوه دخالت آن‌ها در برنامه باز می‌گردد و تعیین نیازها، خواسته‌ها و اولویت بندی برنامه ای و طرح های مدیریت بحران جز با مشارکت مردم میسر نیست.

Bahrani & et al (2018) نشان دادند که مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی گویای این مطلب است که شهروندان از مشارکت بالایی برخوردار نبوده‌اند است. همچنین بین میزان تحصیلات (مهم‌ترین مؤلفه پایگاه اجتماعی) را نشان می‌دهد که این در واقع بیانگر این است که با افزایش سطح تحصیلات، میزان مشارکت شهروندان در طرح‌های عمرانی نیز بیشتر خواهد شد. ارتباط بین میزان تحصیلات شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها در مراحل مختلف برنامه‌ریزی طرح‌های عمرانی شهری تا سطح ۹۹٪ معنادار می‌باشد.

Nikkhah & Ahmadi Bajestan (2017) نشان دادند بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، مسؤلیت پذیری اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، سن، سطح تحصیلات، وضعیت شغل و درآمد با مشارکت اجتماعی شهروندان، رابطه وجود دارد اما بین جنس، وضعیت تأهل و وضعیت بومی بودن با مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه ای دیده نمی‌شود. همچنین پاسخگویان از نظر ذهنی، دارای آمادگی نسبتاً بالایی بوده اما به لحاظ عینی و عملی، مشارکت بسیار پایینی داشته‌اند.

Amira Ahmadi & et al (2016) به این نتیجه رسیدند، سرمایه فرهنگی و به ویژه سرمایه اجتماعی بر مشارکت ساکنان در پروژه‌های نوسازی تأثیر مثبت داشته است. شاخص تعهد اجتماعی، حس همیاری و انسجام اجتماعی بیشترین تأثیر را بر کنش مشارکتی ساکنین داشته است. علی‌رغم بالا بودن میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی در بین ساکنان و تأثیر مثبت این سرمایه‌ها بر کنش مشارکتی، میزان مشارکت ساکنان در پروژه‌های نوسازی بافت پیرامون حرم رضوی ضعیف می‌باشد که این امر بیشتر به مسأله اعتماد مرتبط است.

Habibpour & Mousavi Khorshidi (2016) نشان دادند، از بین مجموع چهار متغیر پیش‌بین اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی و مشارکت اجتماعی غیررسمی، تنها دو متغیر آگاهی و مشارکت اجتماعی غیررسمی اثر مستقیمی روی مشارکت سیاسی دارند که در این بین، سهم متغیر آگاهی بیشتر از مشارکت اجتماعی غیررسمی است، اما نتایج تحلیل مسیر نشان داد که تمامی این چهار متغیر توانسته‌اند به یکی از سه شکل مستقیم، غیرمستقیم و توأمان (هم مستقیم و هم غیرمستقیم) روی مشارکت سیاسی شهروندان قم تأثیر بگذارند که از بین آنها، بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به متغیرهای آگاهی، مشارکت اجتماعی غیررسمی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی بوده است.

Adamtey & Frimpong (2019) نشان داد که در کشور غنا در نمونه مورد تحقیق زمینه‌ی تقویت سرمایه اجتماعی وجود داشته است به طوری که موجبات توسعه اجتماعی را فراهم آورد. در نمونه‌ی تحقیق مشاهده گردید وقتی مشارکت اجتماعی اشاعه یافته است، اخلاق توسعه اجتماعی نیز افزایش یافته است. همچنین در دوره‌ای که انسجام اجتماعی افزایش یافته، وفاق اجتماعی نیز توسعه یافته است. به عبارت دیگر بین هر یک از مؤلفه‌های سرمایه

اجتماعی و توسعه اجتماعی پیوند وجود داشته است. برنامه ریزان شهری از همین یافته‌ها برای برنامه‌ریزی توسعه کلان بهره‌برداری نمودند.

Sukhdev (2018) نشان داد که مشارکت در جامعه‌ی مدنی علاوه بر این‌که از کارکردهای سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، در یک پیوند در هم تنیده با سایر مؤلفه‌های اعتماد، انسجام و آگاهی اجتماعی رابطه دارد. بنابراین به هر میزان که زمینه‌های تقویت سرمایه اجتماعی فراهم آمده است، جامعه شاهد انواع توسعه از جمله توسعه اجتماعی نیز بوده است.

Gelderblom (2018) نشان می‌دهد، برای کاهش دادن مشکلات اجتماعی، پیدایش شبکه‌های اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. در هر جامعه‌ای که زمینه‌های تقویت سرمایه اجتماعی فراهم آمده است، شاهد ارتقای شاخص‌های توسعه اجتماعی بوده‌اند.

Cirule & Prusi (2018) مشاهده کرد ارتباط معنی‌داری بین ابعاد سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی درک شده وجود دارد. این حمایت از کارآفرینان منطقه‌ای موجب شد تا شرکت‌های کوچک و متوسط به‌عنوان ستون فقرات رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی شناخته شوند. به همین دلیل از آن پس سرمایه اجتماعی به‌عنوان پیش‌ران و راننده‌ی رشد اقتصادی به رسمیت شناخته شد.

Rippon & et al (2018) نشان دادند مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی، حمایت اجتماعی و اعتماد اجتماعی عاملی تعیین‌کننده در توسعه اجتماعی شناخته شدند.

Sinakou & et al (2017) نشان می‌دهد که توسعه پایدار در نگرش و دیدگاه افراد مورد مطالعه به‌صورت یکپارچه مورد توجه قرار نداشته و بین مفهوم توسعه پایدار در نگرش‌نخبگان دانشگاهی و توسعه پایدار واقعی زندگی شهروندان تفاوت وجود دارد.

تاکالا (۲۰۱۷) به این نتیجه رسید که توسعه اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار اجتناب‌ناپذیر است. پیشنهاد مشخص این تحقیق این است که مجریان، تصمیم‌گیران و حتی متخصصان دانشگاهی قبل از هر اقدامی برای توسعه پایدار با ابعاد سه‌گانه‌ی اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه پایدار مصمم و متحد شوند.

Yamaguchi et al (2017) گزارش داده است وجود سرمایه اجتماعی در جامعه و بهره‌برداری به‌هنگام و بهینه از آن موجبات احیاء توسعه اجتماعی را در ژاپن فراهم آورد.

Liu & et al (2017) نشان داد در دوره مورد بررسی جامعه شاهد رشد ثروت بوده است. دو عامل نابرابری درآمد و تنوع نژادی در این تولید ثروت نقش داشته، نکته مهم این است که مشارکت مؤثر فعالان اقتصادی در ایجاد نابرابری درآمد در ایالت‌های آمریکا، اکثریت داشته است. درعین حال به اشتراک گذاشتن ثروت و سرمایه اجتماعی تسهیل‌کننده‌ی توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی بوده است.

Granberry & Torres (2017) بیان می‌کند انباشت سرمایه اجتماعی در محله‌های شهر پورتوریکو متفاوت بوده است. بین مادران مشغول به کار و مادران خانه‌دار از نظر انباشت سرمایه اجتماعی تفاوت وجود داشته است. این

تفاوت به نفع مادران شاغل بوده است. انباشت سرمایه اجتماعی در برجسته کردن انسجام اجتماعی نقش مهمی داشته که خود منشأ مشارکت مدنی بوده است.

Cheng (2017) نشان داد که برای کسب موفقیت اجرای ۴ حوزه‌ی سرمایه‌گذاری به‌صورت همزمان و تأکید بر کاهش فقر می‌تواند به یک توسعه پایدار نشان داد که برای کسب موفقیت اجرای ۴ حوزه‌ی سرمایه‌گذاری به‌صورت همزمان و تأکید بر کاهش فقر می‌تواند به یک توسعه‌ی پایدار متوازن و قابل اعتماد منجر شود. اجرای نخستین سال این مدل برای دستیابی به چنین توسعه پایدار نویدبخش بوده است.

Dodd (2016) به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی مزیت آفرین بوده، در اجرای مدیریت استراتژیک منابع نامشهود در سازمان حایز اهمیت است. به طوری که می‌تواند موجبات تحقق اهداف سازمانی و تحقق مسئولیت اجتماعی سازمان را فراهم آورند. بنابراین سرمایه اجتماعی در سطح سازمانی نقشی مثبت دارد.

Lan & Zhong (2016) در مقاله خود با عنوان «توسعه هماهنگ میان اقتصاد شهری و تدارکات پایداری» مطالعه‌ای پیمایشی انجام داده اند که در آن از تکنیک‌های مشاهده‌ای و اسنادی بهره‌برداری شده در این تحقیق آمده است پایداری توسعه در مدیریت شهری نقشی حیاتی در زندگی همگان دارد. لجستیک شهری از جمله تدارکات اقتصادی - اجتماعی محسوب می‌شود که هماهنگی آن‌ها در توسعه پایدار اثرگذار است. مشارکت گروه‌های اجتماعی در این لجستیک و مدیریت شهری آن بسیار تعیین‌کننده می‌باشد. در این تحقیق مشاهده گردید ۸۰ درصد موفقیت توسعه پایدار به ایجاد هماهنگی بین اقتصاد کلان و سطوح خرد توسعه وابسته بوده است. سرمایه‌گذاری زیرساختی لجستیک، سطح توسعه صنعت لجستیک و سطح توسعه تکنولوژی در یک زنجیره به هم پیوسته نیازمند تصمیم‌گیری یکپارچه برای دستیابی به توسعه پایدار به شمار می‌رود.

Jollands & Harmsworth (2016) در مطالعه‌ای با عنوان «مشارکت گروه‌های بومی در نظارت بر توسعه پایدار نیوزلند» مطالعه‌ای کیفی و اسنادی انجام داده است که در آن اقدامات توسعه پایدار نیوزلند در دهه منتهی به سال ۲۰۱۶ اعم از سیاست‌گذاری‌های دولتی و مردمی مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق مشاهده گردید مشارکت جوامع بومی در اجرای برنامه‌های پایداری و نظارت بر آن‌ها محدود بوده است. درحالی که اقتصاد اکولوژیک در این اقلیم ایجاب می‌نموده است که پتانسیل‌های حقیقی و حقوقی در این توسعه پایدار نقش جدی تری داشته باشند. ضرورت پرداختن به این مهم به لحاظ نظری و سیاست‌های بین‌المللی و ملی این غفلت را پشتیبانی می‌نماید. در نتایج تحقیق آمده بود: نظارت بیشتر جوامع بومی برای نظارت بر طرح‌های توسعه پایدار مزیت آفرین می‌باشد. هر چه میزان مشارکت بومیان افزایش یابد، پایداری توسعه و دستیابی به اهداف آن تسهیل می‌یابد.

Frick et al (2015) به این نتیجه رسید، مشارکت اجتماعی در اخلاق توسعه اجتماعی تأثیر مثبت داشته است. تقویت و تداوم روابط اجتماعی در ارتقای کیفیت زندگی و وفاق اجتماعی که از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی هستند

تأثیر مثبت داشته است. بنابراین می‌توان گفت ابعاد سرمایه اجتماعی مزیت‌های فراوانی در جامعه داشته، به گونه‌ای که موجبات انواع توسعه از جمله توسعه اجتماعی گردیده است.

بر اساس مبانی نظری می‌توان گفت مفهوم مشارکت نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنش‌گر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین و از پیش تعیین شده می‌باشد. مشارکت چنانچه در جامعه‌ای انسانی اشاعه یابد و در بین گروه‌ها و سازمان‌ها نهادینه شود، موجب هم‌افزایی در اهداف توسعه‌ای و سایر تصمیمات جمعی می‌گردد. جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت‌های اجتماعی و تأثیرپذیری دانست. آن چه که به عنوان مسئولیت اجتماعی از آن یاد می‌شود، دلالت بر نوعی مشارکت از پیش تعیین شده دارد. اشخاصی که به چنین مسئولیتی متعهد می‌باشند، در واقع نوعی عمل مشارکتی را برای خود تعریف کرده‌اند. بمشارکت ابعاد چندگانه‌ای دارد که از جمله‌ی آن‌ها مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی است. از آن جا که شهروندان به لحاظ حقوق شهروندی خود مانند آزادی بیان، انتخاب کردن، انتخاب شدن، عضویت در گروه‌ها و احزاب نیازمند مشارکت سیاسی برای تعیین حق سرنوشت خود می‌باشند، همواره مترصد مشارکت‌های سیاسی می‌باشند. حاکمان و دولت‌مردان چنانچه سازوکارهای لازم از قبیل آزادی احزاب، مطبوعات، تضارب آراء، ایجاد زمینه‌های مشارکت سیاسی را برای شهروندان فراهم آورند، شاهد مشارکت سیاسی آن‌ها خواهند بود. مفهوم مشارکت سیاسی - اجتماعی بر دو نوع مشارکتی دلالت دارد که در آن نام برده شده است. در مشارکت اجتماعی عواملی مانند انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و آگاهی اجتماعی نقش آفرین می‌باشند و در مشارکت سیاسی پارامترهایی چون مشروعیت سیاسی دولت، مقبولیت اجتماعی دولت، تحکیم روابط دولت - ملت، مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد، فعال بودن احزاب و انجمن‌ها، آزادی بیان و انتخابات آزاد و مردم نقش دارد. بر این اساس فرضیه شماره ۱ و ۲ مطرح شد:

*بین عوامل اجتماعی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار نواحی شهری رابطه وجود دارد.*

*بین عوامل سیاسی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار نواحی شهری رابطه وجود دارد.*

عوامل فرهنگی از دیگر مجموعه عواملی است که می‌تواند مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد. از آن جا که مشارکت اقدامی داوطلبانه ناشی از برانگیختگی مردم و ادراک آن‌ها از برنامه‌های مشارکتی دارد، سهیم شدن آن‌ها در انواع مشارکت مرهون عوامل فرهنگی است. این عوامل عبارتند از: آگاهی از سطح مشارکت، رضایت‌مندی اجتماعی، رضایت‌مندی سیاسی، نقش رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، پایبندی به ارزش‌های دینی و فقدان تعارض فرهنگی. لذا فرضیه شماره ۳ مطرح می‌شود:

*بین عوامل فرهنگی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار نواحی شهری رابطه وجود دارد.*



دسته‌ی چهارم از عوامل مؤثر بر مشارکت‌های سیاسی - اجتماعی، عوامل اقتصادی است. تحقیقات مرور شده در پیشینه این مطالعه نشان داد که پارامترهای پایگاه اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی اثرگذار است. یکی از مهمترین شاخص‌های پایگاه اجتماعی درآمد و اشتغال است. پس از آن تحصیلات و سکونت‌گاه قرار دارد. در پژوهشی هانتینگتون، رابطه متغیرهای همبستگی گروهی، سطح تحصیلات، سن و میزان مشارکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی را بررسی کرده است. از دیدگاه هانتینگتون و نلسون، کسب منزلت‌های اجتماعی بالاتر، به نوبه خود در فرد احساس توانمندی و نگرش‌های معطوف به توانایی تأثیر گذاشتن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های اجتماعی و عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا امور سیاسی باشد. در این حالت، منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر اجتماعی و سیاسی، به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آید. از نظر آنان، از میان متغیرهای منزلتی، سطح تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی و سیاسی فرد دارد (Navabakhsh, 2019). بنابراین پایگاه اجتماعی - اقتصادی نخستین عامل در پیش‌بینی مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان شناخته شده است. از دیگر عوامل اقتصادی می‌توان به مشارکت اقتصادی بخش خصوصی، مشارکت عملی دولت در سرمایه‌گذاری‌ها، توزیع ثروت، رفاه اقتصادی و ثبات اقتصادی اشاره نمود.

در مجموع می‌توان گفت چهارطبقه‌ی عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان نقش‌آفرین بوده، به هر دلیل که این عوامل تقویت شده و یا موجب نقش‌آفرینی در این عرصه قرار گیرند، بر ارتقای مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان نقش‌آفرین بوده، به هر دلیل که این عوامل تقویت شده و یا موجب نقش‌آفرینی در این عرصه قرار گیرند، بر ارتقای مشارکت سیاسی - اجتماعی تأثیر می‌گذارند. در منابع موجود مشاهده گردید مشارکت سیاسی - اجتماعی در نقش‌آفرینی برای تحقق اهداف توسعه پایدار شهری به‌عنوان یک متغیر میانجی بازی می‌کند. اگرچه مجموعه عوامل مستقل مؤثر بر مشارکت‌های سیاسی - اجتماعی وجود دارند که بر میزان آن دخالت دارند، ولی پس از شکل‌گیری شاخص‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی در جامعه، به‌عنوان یک مجموعه متغیرهای میانجی در توسعه پایدار شهری تأثیر می‌گذارند. انواع متغیرهای میانجی که در حوزه‌ی مشارکت سیاسی - اجتماعی به‌عنوان مهمترین شاخص شناسایی شده‌اند عبارتند از: حضور فعال مردم در انتخابات، حضور فعال مردم در مشارکت‌های اجتماعی، نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد، فعال بودن احزاب سیاسی، فعال بودن رسانه‌های مردمی، مشارکت‌های مردم در مسایل زیست محیطی.

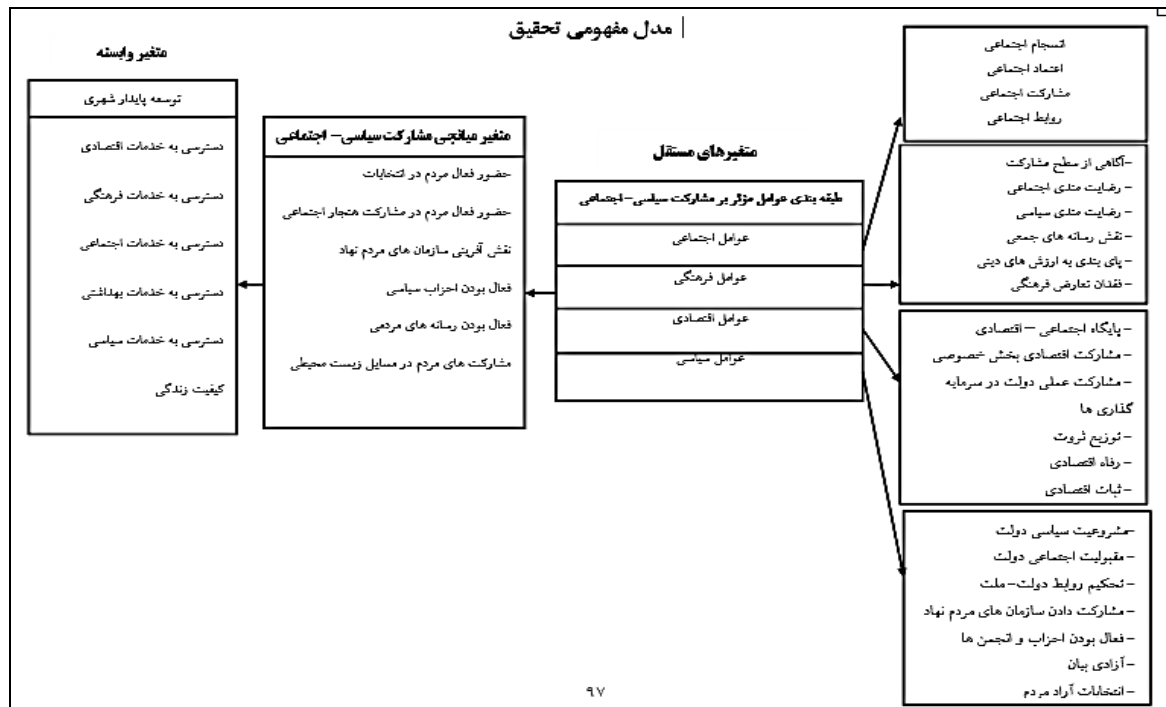
در این مطالعه مفهوم توسعه پایدار شهری به‌عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. تحقیقات انجام گرفته و منابع منتشر شده نشان داده است که این مفهوم شاخص‌های متنوعی را در خود جای داده است. بسته به این‌که توسعه پایدار در چه سطح سرزمینی تعریف شود، شاخص‌های توسعه پایدار متفاوت می‌شود. در سطح جهانی شاخص‌های توسعه پایدار در سه حوزه‌ی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی طبقه‌بندی شده و توسط سازمان ملل متحد از طریق برپایی نشست‌های بین‌المللی با حضور نمایندگان کشورها و تنظیم پروتکل‌های عملیاتی آن طراحی و

ابلاغ شده است. توسعه پایدار در سطح ملی بنابر شرایط هر کشور، نیازمندی‌های عمومی، منابع موجود و استراتژی پیروی از شاخص‌های بین‌المللی، توسعه پایدار طراحی و اجرا می‌شود. در سطح شهر توسعه پایدار بنابر نیازمندی‌های شهری، مدیریت شهری، مزیت‌های سرزمینی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی تعریف و اجرا می‌شود. آن چه که در اغلب مطالعات معطوف به مدیریت شهر انجام گرفته نشان می‌دهد که برای تحقق توسعه پایدار شهری میزان دسترسی شهروندان به هر یک از خدمات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، سیاسی بسیار حایز اهمیت است، به طوری که کیفیت زندگی را برای شهروندان رضایت‌بخش نماید. بر اساس این فرضیه شماره ۴ و ۵ مطرح می‌شود:

بین عوامل فرهنگی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار نواحی شهری رابطه وجود دارد.

بین عوامل اقتصادی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار نواحی شهری رابطه وجود دارد.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود مفهوم توسعه پایدار شهری که در این تحقیق متغیر وابسته تعریف شده و تأثیرپذیری آن از مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان در شهر اراک تحت مطالعه قرار گرفته است، از چه ماهیت و محتوایی برخوردار است. بدیهی است که چارچوب نظری تحقیق به طوری که بر مؤلفه‌های هر یک از این دو مفهوم اشاره رفت، از یک طرف از نظریه - مشارکت سیاسی - اجتماعی پیروی می‌کند و از طرف دیگر از نظریه توسعه پایدار شهری تأثیرپذیر است. نظریه گسترده‌تری مؤلفه‌های مؤثر بر دو مفهوم مشارکت سیاسی - اجتماعی و توسعه پایدار شهری برای جمع‌آوری داده‌های پیمایشی می‌بایست ضمن توجه به دو نظریه مذکور، مفاد آن به گونه‌ای مورد توجه قرار گیرد که ابزار پرسشنامه‌ای آن تمامی مؤلفه‌های تعریف شده در این دو نظریه را شامل شود. در شکل ۱ مدل پژوهش نشان داده شده است:

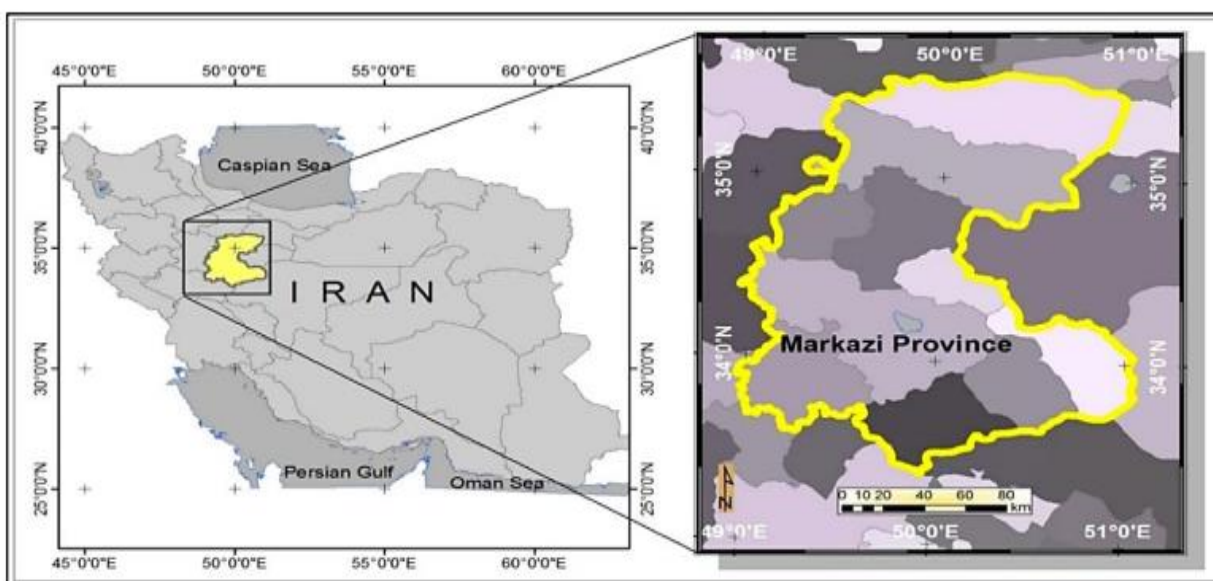


شکل ۱ - مدل مفهومی پژوهش

Source: Authors

### معرفی جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

استان مرکزی از استان‌های ایران است. بزرگترین شهر و مرکز استان مرکزی شهر اراک است. این استان به‌عنوان پایتخت صنعتی ایران شناخته می‌شود. در روزگار کهن این مکان عراق نام داشت که در زمان تسلط اعراب بر ایران عراق عجم نامیده می‌شد که شامل بسیاری از استان‌های همجوار امروزی نیز می‌شد. عراق معرب اراک است. این استان از شمال به استان‌های البرز و قزوین، از غرب به استان همدان، از شمال شرقی به استان تهران از جنوب به استان‌های لرستان و اصفهان از شرق به استان‌های قم و اصفهان محدود است. این استان با مساحتی معادل ۲۹۰۵۳۰ کیلومتر مربع حدود ۱۰۸۲ درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان مرکزی دارای ۱۲ شهرستان، ۲۳ بخش، ۳۲ شهر، ۶۶ دهستان، ۱۰۳۹۴ آبادی دارای سکنه و ۴۶ آبادی خالی از سکنه است. شهرستان‌های این استان عبارت‌اند از: اراک، محلات، ساوه، تفرش، خمین، فراهان، دلپجان، شازند، آشتیان، کمیجان، زرنديه و خنداب. قم و گلپایگان نیز پیش‌تر جزو استان مرکزی بوده‌اند. استان مرکزی اتصال دهنده شهرهایی نظیر تهران و قم به استان‌های همجوار مانند استان لرستان و استان همدان است. مقدار راه‌های اصلی معمولی در استان مرکزی ۵۴۰ کیلومتر و راه‌های بین شهری ۳۲۰ کیلومتر بوده و طول راه‌های روستایی در استان ۷۰۰ کیلومتر برآورد می‌شود. از جمله آزادراه‌ها و بزرگراه‌های موجود در استان مرکزی می‌توان به آزادراه تهران - ساوه - سلفچگان، آزادراه ساوه - همدان، آزادراه اراک - خرم‌آباد، آزادراه سلفچگان - اراک، بزرگراه اراک - ملایر، بزرگراه اراک - خمین، بزرگراه خمین - محلات - دلپجان، بزرگراه خمین - گلپایگان، بزرگراه اراک - فرمهین و بزرگراه قم - اصفهان در محدوده شهرستان دلپجان و همچنین راه ارتباطی که جاده ۵۷ است از مسیر ارتباطی از استان همدان به سمت استان مرکزی است که از شهرستان ملایر شروع می‌شود و پس از گذشتن از شهرستان کمیجان و دره زیبای وفس به طول ۱۵ کیلومتر به آزاد راه ساوه - همدان می‌رسد را اشاره کرد.



شکل ۳۲ موقعیت منطقه ای استان مرکزی Source: Authors, Ghahie and et al, 2019



پس از تصویب قانون ایالات و ولایات در سال ۱۳۲۵ قمری کشور به چهار ایالت و ۱۲ ولایت تقسیم شد. با اینکه برخی از ولایت ۲۳ گانه در ولایت‌های دیگر ادغام شدند، اما ولایت عراق همچنان باقی ماند.

طبق قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران (مصوب ۱۶ آبان ۱۳۱۶ خورشیدی)، اراک یکی از ۱۳ شهرستان استان شمال بود. سپس بر اساس قانون تقسیمات کشوری و وظایف فرمانداران و بخشداران (مصوب ۳ بهمن ۱۳۱۶ خورشیدی)، اراک در کنار زنجان جزو استان یکم قرار گرفت.

در سال ۱۳۲۶ خورشیدی همزمان با تشکیل استان مرکزی (به مرکزیت تهران)، شهر اراک نیز یکی از شهرهای این استان شد و در سال ۱۳۶۵ خورشیدی مرکز استان مرکزی از تهران به اراک منتقل شد. یک سال بعد از آن استان تهران از استان مرکزی جدا شد. از آن زمان تاکنون شهر اراک به عنوان مرکز استان مرکزی در تقسیمات کشوری شناخته می‌شود.

بزرگ ترین شهر و مرکز استان مرکزی شهر اراک است. این استان به عنوان پایتخت صنعتی ایران شناخته می‌شود. یکی از کلان شهرهای ایران و از بزرگترین شهرهای مرکز ایران و مرکز استان مرکزی و شهرستان اراک است. شهر اراک به عنوان یک شهر صنعتی تمرکز جمعیت، فعالیت های صنعتی، اقتصادی و ... در مدتی کوتاه با جذب منابع عمده مالی و انسانی ملی و بین المللی، آسیب پذیری آنها را در ابعاد زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی و ... به وجود آورده است. مسئله مهم و اصلی در این نوع شهر، ارزیابی شاخص های پایداری در ابعاد مختلف زیست محیطی، اقتصادی، کالبدی، اجتماعی - فرهنگی و محیط شهری این نوع شهرها است. بنابراین با توجه به مسائل و مشکلاتی که این نوع شهرها دارند، توجه به ابعاد و اصول توسعه پایدار شهری از ضروریات در روند برنامه ریزی برای توسعه آنها به شمار می آید.

شهر اراک را می توان نمونه ای از شهر های صنعتی جدید دانست که در مدتی کوتاه و متأثر از فعالیت های صنعتی به لکه صنعتی کشور تبدیل شده است. شهر اراک امروزه در پناه جذب سرمایه های ملی و بین المللی می تواند نقش آفرین توسعه اقتصادی در مناطق همجوار و پس کرانه های خود باشد. این تحقیق با توجه به ضرورت های فوق و اهمیت شهر اراک در پهنه اقتصاد ملی، در خلا مطالعات پژوهشی جامع در ارتباط با روند پایداری و ناپایداری شهرهای صنعتی کشور پی بررسی و واکاوی ابعاد مورد اشاره است تا از این رهگذر، ضمن شناسایی موارد و عوامل زمینه ساز ناپایداری، مسیر حرکت به سمت پایداری در شهر اراک را هموار نماید.

### مراحل رشد و توسعه شهر

بافت قدیم اراک بر اساس آخرین تحولات فنی شهرسازی عصر خود دارای ویژگی های با ارزشی بوده است. سلسله مراتبی بودن بخش خدمات و نیازمندی های عمومی، قطعه بندی منظم اراضی، بافت شطرنجی شهر، تقسیمات محله ای و تمایز محله ای مناسب، وجود بازار و عناصر وابسته آن به عنوان عامل موثر در حیات اقتصادی و اجتماعی شهر بوده است.

به دلیل اینکه شیب شهر از طرف جنوب به شمال است و مظهر تمام قنات‌ها در جنوب بوده، لذا گسترش شهر در ابتدا به طرف جنوب و جنوب غرب متوجه شد و بسیاری از تجار و پیشه‌وران خانه‌های وسیع و مشجری را بخصوص در محله عباس آباد ساختند.

یکی از علل نامنظم بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها به این جهت بوده که اکثر باغ‌های شهر به منازل مسکونی تبدیل شد و چون حدود باغ‌ها با جوی‌های آب با مسیرهای غیر مستقیم معین می‌شد، منازل احداث شده به پیروی از آن نامنظم ساخته شدند. دلیل دیگر نامنظم بودن خیابان‌ها نظارت نداشتن بلدیه به ساخت‌وسازها تا آن زمان بود.

در سال ۱۲۷۱ قمری سیل مهاجران از نقاط مختلف مانند کاشان، اصفهان، تبریز، قم و خوانسار به سوی اراک آغاز گشت و موجب آغاز رونق اقتصادی شهر شد. به همین اساس محله‌هایی مانند عباس آباد، منق آباد، پشت خندق و هزواهی‌ها شکل گرفت و در سال ۱۳۰۸ شمسی با همکاری بلدیه عراق خیابان امام خمینی امروزی، عباس آباد و باغ ملی احداث شد و بافت قدیمی شهر مرمت شد. با عبور راه آهن از اراک و احداث خیابان و گذرگاه‌های جدید توسعه شهر آغاز شد. براساس آمار کتاب ایرانشهر در سال ۱۳۲۰ خورشیدی، جمعیت اراک ۵۱ هزار نفر بود. از این تاریخ، اراک نیز مانند سایر شهرهای کشور توسعه یافت. در سال‌های صلح و آرامش دیوارهای حفاظتی شهر برداشته شد و شهر بی رویه رو به توسعه نهاد. موقعیت ترابری اراک از مهمترین عوامل توسعه شهر در سال‌های اخیر بوده است.

#### یافته های تحقیق

جامعه آماری در این تحقیق عبارت است از کلیه کارکنان شاغل در دستگاه‌های دولتی شهر اراک در سال ۱۳۹۹، دارای حداقل مدرک کارشناسی و حداقل سابقه سکونت ۵ سال در اراک و حداقل سن ۲۵ سال. این جمعیت ب موجب سالنامه آماری استان مرکزی ۵۱۲۰ نفر بوده است. نظر به گستردگی جامعه آماری و بموجب جدول نمونه‌گیری مورگان برای این سطح از جامعه آماری تعداد ۳۶۱ نفر به‌عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه در نظر گرفته شد. به‌منظور گزینش افراد نمونه از روش سهمیه‌بندی تصادفی استفاده شده است. در این راستا ابتدا سهم هر یک از دستگاه‌های اجرایی از حجم نمونه مشخص و سپس در هر دستگاه دولتی بین افراد واجد شرایط پاسخگو به پرسشنامه تعداد لازم به تصادف برگزیده شد.

جدول ۱- توزیع فراوانی جامعه و نمونه آماری به‌تناسب جنسیت

جامعه ۵۱۲۰		نمونه ۳۶۱	
زن	مرد	زن	مرد
فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
۲۶۶۲	۲۴۵۸	۱۸۷	۱۷۴
%۵۲	%۴۸	%۵۲	%۴۸

Source: Authors

جدول ۲- جدول توزیع فراوانی پاسخگویان به پرسشنامه تحقیق (نمونه آماری)

دستگاه اجرایی	تعداد	دستگاه اجرایی	تعداد
فرمانداری اراک	۸	اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲	۴۲
استاندارداری مرکزی	۲۵	اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱	۴۶
اداره کل آموزش و پرورش	۳۰	بانک ملی شعبه اراک	۱۰
اداره کل ارشاد اسلامی	۱۵	بانک صادرات شعبه مرکزی	۱۰
اداره کل صفت معدن تجارت	۷	دانشگاه جامع اراک	۳۵
دانشگاه صنعتی اراک	۲۰	دانشگاه پیام نور	۳۵
اداره کل تعاون	۱۳	دانشگاه علوم پزشکی	۳۵
سازمان حج و زیارت	۱۵	اداره کل مسکن و شهرسازی	۱۵

### یافته‌های استنباطی

به منظور دستیابی به شاخص‌ها و شناسه‌های هر یک از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های عمرانی شهری از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در این مصاحبه که بصورت نیمه ساختاریافته طراحی گردید تعداد چهار محور در نظر گرفته شد که در آنها عواملی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مؤثر بر مشارکت سیاسی اجتماعی از خبرگان سؤال شده بود. همچنین در سؤال دیگری الزامات فعال بودن شهروندان در مشارکت سیاسی - اجتماعی سؤال شده بود. این مصاحبه‌ها به صورت حضوری از طریق مراجعه به دانشگاه‌های شهر اراک انجام گرفت و واجدین شرایط بمدت پنجاه دقیقه بطور میانگین در این مصاحبه مشارکت داشتند. جدول عنوان دانشگاه‌ها و تاریخ مصاحبه آنها به شرح زیر بوده است.

جدول ۳- مصاحبه با خبرگان دانشگاهی

تاریخ	مکان مراجعه	تعداد مصاحبه شونده	مدت مصاحبه مصاحبه نفر	مصاحبه هر
۹۹/۳/۶	دانشگاه جامع اراک - شریعتی	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۷	دانشگاه پیام نور	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۸	دانشگاه آزاد اسلامی	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۰	دانشگاه فرهنگیان اراک شهید باهنر	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۱	دانشگاه جامع اراک - سردشت	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۲	دانشگاه پیام نور	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۳	دانشگاه آزاد اسلامی اراک	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۷	دانشگاه فرهنگیان زینب کبری	۳۲	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه

Source: Authors

### ابزار پرسشنامه شهروندان

این پرسشنامه در سال ۱۳۹۹ توسط تیم تخصصی در یک مطالعه علمی شامل مطالعات اسنادی و زمینه‌یابی طراحی گردیده است. مفاد این پرسشنامه مشتمل از مقیاس‌های عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مشارکت سیاسی - اجتماعی و توسعه پایدار شهری می باشد. مفاد این پرسشنامه را تعداد ۵۶ گویه تشکیل داده است. به منظور سهولت پاسخگویی به گویه‌های پرسشنامه از سنجه ی پنجگانه طیف لیکرت پیروی شده است. گزینه‌های این سنجه عبارتند از: کاملاً موافق (۵)، موافق (۴)، تا حدودی (۳)، مخالف (۲)، کاملاً مخالف (۱). گویه‌های شماره (۱۲-۱۵-۲۱-۳۲-۴۰-۴۸-۵۶) دارای ارزش معکوس بوده، به هنگام تحلیل داده‌ها دارای ارزش ۱ تا ۵ بود. نظر به اینکه داده‌های میدانی جمع‌آوری شده در این تحقیق متنوع بوده است تجزیه و تحلیل آنها نیز به روش متناسب با ماهیت داده‌ها صورت گرفته است. داده‌های پرسشنامه کمیت‌پذیر بوده ابتدا از شاخص‌های آمار توصیفی از قبیل فراوانی، میانگین، انحراف معیار واریانس برای تحلیل آنها استفاده شده است. این تحقیق دارای مدل مفهومی بوده و در آن متغیرهای مستقل، میانجی و وابسته مطرح بوده... تعیین رابطه بین متغیرها از طریق آزمون معادلات ساختاری توسط نرم‌افزار pls انجام گرفته است. بخش دیگری از داده‌ها مربوط به مصاحبه با خبرگان بصورت کیفی جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل آنها از طریق روش کیفی کریپندورف و طی کردن مراحل تحلیل محتوا، شامل واحدبندی داده، گزینش واحد داده، گزارش و تقلیل داده، استنباط، تحلیل و اعتبار بخشی انجام گرفته است.

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این است که ۳۲ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی- اجتماعی را در سطح کم، ۲/۲ درصد در سطح متوسط، ۴ درصد در سطح زیاد و ۶۱ درصد در سطح بسیار زیاد دانسته‌اند. ۶۰ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل فرهنگی را بر مشارکت سیاسی- اجتماعی در سطح بسیار زیاد دانسته و ۳۰ درصد آنها این تاثیر را در سطح کم اعلام داشته‌اند. ۴۶ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل اقتصادی را بر مشارکت سیاسی- اجتماعی در سطح بسیار زیاد، ۱۹ درصد در سطح زیاد، ۴ درصد در سطح متوسط و ۳۱ درصد در سطح کم اعلام نموده بودند. همچنین ۶۳ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل سیاسی مؤثر بر مشارکت سیاسی- اجتماعی را در سطح زیاد، ۳۴ درصد در سطح متوسط و ۸ درصد در سطح کم دانسته بودند. از نظر پاسخگویان میزان توسعه پایدار شهری در اراک قدرمطلق متعادل ۳۹/۷ در دامنه نمرات ۲۲-۵۰ داشته است. از نظر پاسخگویان میزان مشارکت سیاسی- اجتماعی در اراک قدر مطلق معادل ۳۹/۳ در دامنه ۲۲-۵۰ داشته است.

#### نتیجه گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

در این تحقیق تعداد یک فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی وجود داشته است. در اعلام نتایج ترتیبی اتخاذ گردید تا ضمن رعایت ترتیب و توالی آنها نتایج حاصل به استناد مبانی نظری موجود، یافته‌های آماری تحقیق و نتایج موجود در پیشینه استنتاج گردد و حاصل آن‌ها در ذیل هر یک از فرضیه‌ها گزارش شود.

**فرضیه اول پژوهش: بین عوامل اجتماعی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری رابطه وجود دارد.**

نتایج بدست آمده با تکیه بر مبانی نظری بحث می‌شود. اولریش از جمله کنش‌گرایانی بوده است که هر نوع تصمیم‌گیری اجتماعی را در ایفای نقش تشکلهای مردمی، جنبش‌های اجتماعی و مشارکت نهادهای مدنی می‌داند. این نظریه‌ها نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی نقش بسزایی در مشارکت سیاسی- اجتماعی داشته است که البته پیامد آن را می‌توان در توسعه اجتماعی رصد نمود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این فرضیه نشان داد که بین عوامل اجتماعی و مشارکت سیاسی- اجتماعی قدرت مطلق معادل ۰/۸۱۶ وجود داشته است. همچنین بین مشارکت سیاسی- اجتماعی و توسعه پایدار قدرمطلق معادل ۰/۹ وجود داشته است. این رابطه‌ها در سطح  $p < 0.05$  معنی‌دار بوده، همچنین آزمون سوبل نشان داد که این رابطه‌ها با اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت بین عوامل اجتماعی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری رابطه وجود داشته است. بنابراین فرضیه اول تحقیق تایید می‌گردد.

**فرضیه دوم پژوهش: بین عوامل فرهنگی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری رابطه وجود دارد.**

اینکلهارت که از پیروان نظریه تلفیق‌گرا به شمار می‌رود، بر این باور بوده است که توسعه پایدار زمانی آشکار می‌شود که در آن جامعه سوگیری‌های فرهنگی- اجتماعی نیز تظاهر آشکاری داشته باشد. هابر ماس در این زمینه اعتقاد داشته است یکی از حوزه‌های کارکردی در شکل‌گیری توسعه پایدار عوامل فرهنگی می‌باشد. تجزیه و



تحلیل داده‌ها در این فرضیه نشان داد که بین عوامل فرهنگی و مشارکت سیاسی-اجتماعی قدرمطلق معادل ۰/۳۸ وجود داشته است. همچنین بین مشارکت سیاسی-اجتماعی و توسعه پایدار قدر مطلق معادل ۰/۹ وجود داشته است. این رابطه‌ها در سطح  $p < 0/05$  معنی دار بوده، همچنین آزمون سوبل نشان داد که این رابطه‌ها با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت بین عوامل فرهنگی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری رابطه وجود داشته است. بدین ترتیب فرضیه دوم تحقیق تایید می‌گردد (جدول شماره ۴).

**فرضیه سوم پژوهش: بین عوامل اقتصادی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری رابطه وجود دارد.**

ماکس وبر از جمله جامعه‌شناسان کلاسیک بوده است که می‌گوید در تصمیم‌گیری‌های سیاسی-اجتماعی و منافع اقتصادی ناشی از آن بهره‌برداری بهینه از عوامل اقتصادی ضروری بوده، موجبات تسهیل در توسعه خواهد شد. مارکس بر این باور بوده است که در رویارویی جامعه انسانی و جهانی طبیعی پارامترهای اقتصادی سرنوشت‌ساز بوده به گونه‌ای که در این رویارویی زمینه توسعه همه‌جانبه را فراهم می‌آورد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این فرضیه نشان داد بین عوامل اقتصادی و مشارکت سیاسی-اجتماعی قدرمطلق معادل ۰/۲۱۹ وجود داشته است. همچنین بین مشارکت سیاسی-اجتماعی و توسعه پایدار قدر مطلق معادل ۰/۹ وجود داشته است. این رابطه‌ها در سطح  $p < 0/05$  معنی دار بوده، همچنین آزمون سوبل نشان داد که این رابطه‌ها با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت بین عوامل اقتصادی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری رابطه وجود داشته است. بنابراین فرضیه سوم تحقیق تایید می‌گردد (جدول شماره ۴).

**فرضیه چهارم پژوهش: بین عوامل سیاسی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری رابطه وجود دارد.**

هورکهایمر در نظریه پردازی تلفیق‌گرایی خود بیان داشته است عقلانیت ارتباطی ایجاب می‌نماید که کنشهای سیاسی-مردمی به دور از سلطه‌ی حاکم و به صورت طبیعی بروز و ظهور یابد تا جامعه شاهد نمودهای توسعه باشد. مارکوزه در این زمینه می‌گوید توسعه پایدار زمانی از مطلوبیت خود برخوردار می‌گردد که مشارکت‌های سیاسی-اجتماعی مردم جریان داشته، در این صورت شاهد نمادهای توسعه خواهد بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این فرضیه نشان داد بین عوامل سیاسی و مشارکت سیاسی-اجتماعی قدرمطلق معادل ۰/۰۵۱ وجود داشته است. این رابطه در سطح  $p > 0/05$  بوده، معنی‌داری آن تایید نگردید. همچنین رابطه مشارکت سیاسی-اجتماعی با توسعه پایدار نیز کمتر از سطح بحرانی بود. آزمون سوبل نشان داد که رابطه‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نبوده است. همچنین ضریب سوبل کوچکتر از ۱/۹۶ بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت بین عوامل سیاسی با

میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری رابطه وجود نداشته است. بنابراین فرضیه چهارم تحقیق تایید نگردید (جدول شماره ۴).

**فرضیه اصلی: مدل مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان در اجرای توسعه پایدار شهری اثرگذار است.**

دوتوکویل از جمله اجتماع گرایانی بوده است که می‌گوید جامعه انسانی تا زمانی که از یک فضای زندگی مشارکتی، جمعی و گروه‌های اجتماعی بهره‌مند نباشد، نمی‌تواند به کارکردهای اجتماعی خود از جمله توسعه امیدوار باشد. فوکویاما بر این باور بوده است که سرمایه اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای در پیدایش مشارکت‌های سیاسی-اجتماعی داشته، زمینه ساز توسعه پایدار خواهد بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در راستای آزمون فرضیه اصلی تحقیق نشان داد عوامل مؤثر بر مشارکت با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی بر اجرای توسعه پایدار شهری اثرگذار بوده است. ضریب اثر عوامل اجتماعی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی بر توسعه پایدار شهری ۳۴ درصد به دست آمد. ضریب اثر عوامل فرهنگی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی و توسعه پایدار شهری ۳۷ درصد به دست آمد. ضریب اثر عوامل اقتصادی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی بر توسعه پایدار شهری ۲۱ درصد به دست آمد. ضریب اثر عوامل سیاسی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی بر توسعه پایدار شهری ۰/۰۵ به دست آمد که بسیار ناچیز بوده است. در مجموع می‌توان گفت ضریب اثر مجموعه عوامل مؤثر بر توسعه پایدار شهری ضریب اثری معادل ۰/۹۸ داشته است. بدین ترتیب می‌توان گفت عوامل مؤثر بر مشارکت در اجرای طرح‌های توسعه پایدار تاثیر مثبت داشته اند بنابراین فرضیه اصلی تحقیق تایید می‌گردد (جدول شماره ۴).

جدول ۴ اثرات مستقیم و میانجی مدل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان در اجرای توسعه پایدار شهری

فرضیات	رابطه	تأثیر مستقیم تأثیر میانجی	آماره آزمون
عوامل اجتماعی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان		۰/۳۴۶	۳/۸۰۸
فرضیه اول	مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری	۰/۹۹۰	۴۲۲/۴۵۱
عوامل اجتماعی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری		$0.346 \times 0.990 = 0.342$	۳/۶۵۱
عوامل فرهنگی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان		۰/۳۸۳	۳/۱۳۱
فرضیه دوم	مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری	۰/۹۹۰	۴۲۲/۴۵۱
عوامل فرهنگی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری		$0.383 \times 0.990 = 0.379$	۳/۱۳
عوامل اقتصادی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان		۰/۲۱۹	۲/۱۷۳
فرضیه سوم	مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری	۰/۹۹۰	۴۲۲/۴۵۱
عوامل اقتصادی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری		$0.219 \times 0.990 = 0.216$	۲/۱۴
عوامل سیاسی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان		۰/۰۵۱	۰/۹۴۵
فرضیه چهارم	مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری	۰/۹۹۰	۴۲۲/۴۵۱
عوامل سیاسی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری		$0.051 \times 0.990 = 0.050$	۰/۸۵۳

Source: Authors

در آزمون فرضیه پنجم مشاهده گردید مجموعه عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی با میانجی‌گری سیاسی-اجتماعی بر توسعه پایدار شهری تاثیر داشتند ولی عوامل سیاسی با همین شرایط تاثیر نداشته است.

جامعه‌شناسان تلفیق گرا از جمله اینگلهارت، هورکهایمر و هابرماس معتقد بودند سوگیری‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در ارزش‌های فرامدرن مانند کیفیت زندگی و تولید ثروت تعیین کننده بوده، به توسعه پایدار می‌انجامد. تا زمانی که کنش وری طبیعی و خردمندانه در جامعه حاکم نباشد، نمی‌توان به توسعه پایدار دست یافت. در این زمینه

مشروعیت سیاسی دولت و مقبولیت اجتماعی او در جذب مشارکت‌های مردمی بسیار اثرگذار است. تعمیم این نظریه‌ها به روند توسعه یافتگی در کلانشهر اراک نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در اسناد طرح‌های توسعه پایدار شهری به ندرت مورد توجه بوده است. کنش وری طبیعی و خردمندانه برای دستیابی به شاخص‌های اهداف توسعه پایدار شهری کمتر به صورت نظم یافته و آشکار و شفاف مدنظر قرار داشته است. علاوه بر آن مقبولیت اجتماعی تصمیم‌گیران دولتی نیز جای تردید داشته است.

جامعه‌شناسان تضاد گرا مانند مارکس، گالبرایت، روزنبرگ معتقد بوده‌اند که در جامعه همواره رقابت بر سر منابع کمیاب وجود دارد. در زندگی اجتماعی لزوم توسعه ثروت و قدرت از ضروریات توسعه است در حالی که در جهان صنعتی گرایش سود انگاری مانع از پیدایش کیفیت زندگی شده است. اساس مشارکت اجتماعی منشاء فردی دارد. در این راستا تضاد میان ارزش‌های درونی و بیرونی فردی مانع از توسعه است. تعمیم این نظریه‌ها به آنچه که در توسعه شهری کلانشهر اراک مشاهده شده است نشان می‌دهد که در اجرای طرح‌های توسعه‌ای تضاد منافع وجود داشته است. در مدیران صنعتی این شهر نگاه سود انگاری وجود داشته است. در اجرای طرح‌های توسعه شهری به اصل مشارکت جمعی و اجتماعی شهروندان، گروه‌ها و نهادها توجه کافی نشده است. آن چنان که نمادهای توسعه در زوایای آشکار و نهان این شهر غیر اصولی و غیر منسجم بوده است.

در مجموع می‌توان گفت جامعه‌شناسان همواره به مفاهیم عوامل مؤثر بر مشارکت، مفهوم مشارکت سیاسی - اجتماعی و توسعه پایدار نگاهی تعمیق یافته داشته، کارکردهای آن را در یک چشم‌انداز بلندمدت ترسیم نموده‌اند ولی مجریان طرح‌ها در کلانشهر اراک چنین نگاهی نداشته به همین دلیل چهره‌ی کنونی شهر نمایانگر شاخص‌های توسعه آن گونه که باید و شاید نبوده است.

بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. در این تحقیق مشاهده گردید بین عوامل اجتماعی با اجرای طرح‌های توسعه پایدار با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی رابطه وجود داشته است. از آنجا که عوامل اجتماعی را انسجام، اعتماد، مشارکت و روابط اجتماعی تشکیل می‌دهد، به مسئولین اجرایی دستگاه‌های دولتی پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های اجرایی و عملیاتی خود به تقویت اعتماد عمومی مبادرت نموده، همچنین در برقراری روابط سازنده با شهروندان اهتمام داشته باشند تا شاهد انسجام و مشارکت آنها باشند. بدیهی است که تقویت این عوامل اجرای طرح‌های توسعه پایدار را تسهیل خواهد نمود.

۲. در این تحقیق مشاهده گردید بین عوامل فرهنگی و اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان رابطه وجود داشته است. نظر به اینکه عوامل فرهنگی شامل آگاهی از سطح مشارکت، رضایتمندی سیاسی و اجتماعی، فعالیت سازنده شبکه‌های اجتماعی، پای بندی به ارزش‌ها می‌باشد، به مدیران، کارشناسان فعال در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی پیشنهاد می‌شود در تقویت هر یک

از عوامل فرهنگی اهتمام داشته باشند تا شاهد مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان بوده، این امر تسهیل کننده ی اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری خواهد بود.

۳. در این تحقیق مشاهده گردید بین عوامل اقتصادی و اجرای طرح های توسعه پایدار شهری با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی رابطه وجود داشته است. از آنجا که در خوشه عوامل اقتصادی مواردی چون پایگاه اجتماعی، سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی، توزیع ثروت، رفاه اقتصادی و ثبات اقتصادی وجود دارد، به مدیران ارشد شاغل در دستگاه‌های دولتی سطح استان پیشنهاد می‌شود در اجرای برنامه‌های خود به مفاد اسناد بالادستی و نیز تنظیم اسناد جدید توجه کافی مبذول دارند تا زمینه ی تقویت و تثبیت هر یک از عوامل اقتصادی مذکور فراهم گردد. زیرا این امر موجب تقویت مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان و تسهیل در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری خواهد شد.

۴. در این تحقیق مشاهده گردید بین عوامل سیاسی و اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی رابطه معنی دار وجود نداشته است. از آنجا که مفاد عوامل سیاسی را مواردی چون مشروعیت سیاسی دولت، مقبولیت اجتماعی دولت، تحکیم روابط دولت-ملت تشکیل می‌دهد، به مدیران ارشد سیاسی-اجتماعی در سطح کلان جامعه پیشنهاد می‌شود ساز و کارهایی فراهم نمایند تا زمینه تقویت عوامل سه گانه مذکور فراهم گردد تا شاهد تقویت مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان و نیز تسهیل در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری باشند.

۵. در این تحقیق مشاهده گردید بین عوامل سیاسی و اجرای طرح‌های توسعه رابطه وجود نداشته است. از آنجا که بخش دیگر عوامل سیاسی را موارد چهارگانه‌ای چون مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد، فعال بودن احزاب، آزادی بیان و انتخابات آزاد مردم تشکیل می‌دهد، به مدیران مسئول و ذی مدخل در موارد چهارگانه فوق پیشنهاد می‌شود ساز و کاری فراهم نمایند تا زمینه ی تحقق هرچه بیشتر این بخش از حقوق شهروندی فراهم آید تا در پیامد آن شاهد تقویت مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان و تسهیل در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری باشند.

## References

- Aaron, Raymond. (2017). Basic stages of thought in sociology: Full and revised text. (Baqer Parham, translator). Scientific and cultural.
- Adamtey, Ronald; & Frimpong, Josephine. (2019). Social capital as the missing link in community development planning process in Africa: lessons from Ghana. *Ghana Journal of Development Studies*, 15(1), 92-115. <https://doi.org/10.4314/gjds.v15i1.5>
- Amir Ahmadi, Rahmatullah; Nawabakhsh, Mehrdad; And Zanjani, Habibullah. (2016). Investigating the role of socio-cultural capital on citizens' participation in the renovation of worn-out urban structures (Case study: Mashhad). *Contemporary Sociological Research (Scientific-Research)*, 5 (8), 123-143.
- Amoozad Khalili S, Rashidy A, Pirdashti H. (2018). Considering the role of public participation to improve urban crisis management and its effective elements based on Ragers' public participation theory, Case study: Behshar city. *Disaster Prev. Manag. Know*, 8 (3) :255-268. URL: <http://dpmk.ir/article-1-200-fa.html>
- Azad Armaki, Taqi. (2002). *Sociological Theories (Second Edition)*. Soroush.

- Azad, Muharram; Rahmani Firoozjah, Ali; And Abbasi Asfajir, Ali Asghar. (2019). Investigating the relationship between social capital and sustainable urban development (Case study: Mazandaran province). *Urban Sociological Studies*, Ninth (30).
- Badiee, Leila; Ezzatpanah, Bakhtiar; And Soltani, Alireza. (2019). Explaining and analyzing sustainable urban development with emphasis on environmental components (Case study: Sanandaj city). *Islamic Azad University, Marvdasht Branch*, (36), 75-86.
- Bahrami, Smayeh. Davari, Elham. Khodadad, Mehdi (2018). Investigating the Factors Affecting Citizen Participation in Municipal Services Development and Services (Study: North Valiasr neighborhood, Tehran), *Geography and Human Rellationships*, 1 (2), 559.573.
- Barzegar, Sadegh; Bakhshi, Amir; And Heidari, Mohammad Taqi. (2019). Explaining socio-economic sustainability in small cities with a sustainable development approach (example: small cities in northern Iran). *Parliament and Strategy*, Twenty (97).
- Bashirieh, Hussein (2018). *Political Sociology: The Role of Social Forces in Political Life*. Ney Publication.
- Cheng, Xin; Shuai, Chuanmin; Wang, Jing; Li, Wenjing; Shuai, Jing; & Liu, Yue. (2017). Building a sustainable development model for China's poverty-stricken reservoir regions based on system dynamics. *Journal of Cleaner Production*, 176(50), 535-554. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2017.12.068>
- Cīrule, Iveta; & Prusis, Janis. (2018). Social capital and social support – perception by start-ups in Riga city (pp. 49-56). Presented at the Economic for rural development. <https://doi.org/10.22616/ESRD.2018.005>
- Dodd, Melissa. (2016). Intangible resource management: social capital theory development for public relations. *Journal of Communication Management*, 20(4). <https://doi.org/10.1108/JCOM-12-2015-0095>
- Ezkiya, Mustafa; And Ghaffari, Gholamreza. (2016). *Sociology of Development*. (Publication of the main work in 2005)
- Fakuhi, Nasser (2006). *Urban Anthropology (Third Edition)*. Ney Publication.
- Frick, Jens Eklinder; Eriksson, Lars Torsten; & Hallen, Manuel. (2015). *Social Capital, Individuality and Identity*. Conference University of Douthern Denmark.
- Behnaz, G. (2019). "Factors influencing the sustainable social development of Arak." *Journal of New Attitudes in Human Geography* 11(3): 114-135.
- Gelderblom, Derik. (2018). The limits to bridging social capital: Power, social context and the theory of Robert Putnam. *Sages Journal*, 66(6), 1309-1324.
- Granberry, Phillip; & Torres, Maria. (2017). Social Capital Accumulation among Puerto Rican Mothers in Urban Neighborhoods. *Societies*, 7(1), 3. <https://doi.org/10.3390/soc7010003>
- Habibpour, Karam; And Mousavi Khorshidi, Hamidreza. (2016). Relationship between social capital and political participation (Case study: Citizens of Qom). *Social Welfare Quarterly*, 16 (62), 359-391.
- Hormoz, Mehrdad. (1997). *Fields of Political Sociology: Political Socialization*. Retrieved from Sheikh Hadi Najmabadi Library (Libraries of Tehran Municipality Cultural and Artistic Organization).
- Hosseini, S. M., et al. (2020). "Study of Barriers to Sustainable Economic Development of Rural Settlements with Entrepreneurship Approach (Case Study: Kiar County - Chaharmahal and Bakhtiari Province)." *Journal of New Attitudes in Human Geography* 12 (1): 41-62.
- Jollands, Nigel; & Harmsworth, Garth. (2017). Participation of indigenous groups in sustainable development monitoring: Rationale and examples from New Zealand. *Ecological Economics*, 62(3), 716-726. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2006.09.010>
- Lan, S. L.; & Zhong, Ray Y. (2018). Coordinated development between metropolitan economy and logistics for sustainability. *Resources, Conservation and Recycling*, 128, 345-354. <https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2016.08.017>

- Liu, Baodong; Wei, Yehua; & Simon, Christopher. (2017). Social Capital, Race, and Income Inequality in the United States. *Sustainability*, 9(3), 248. <https://doi.org/10.3390/su9020248>
- Nawabakhsh, Mehrdad (2013). The need to revive social capital in the development of urban spaces. *Iranian Social Development Studies*, 5 (4), 7-18.
- Nawabakhsh, Mehrdad (2019). Fundamental theories in human capital with an attitude towards social sciences and management sciences. *Borna Sociologists*.
- Nawabakhsh, Mehrdad; And Fadwa, Jamila. (2008). Investigating the dimensions of social capital and its role in urban development: A case study of District 5 of Tehran. *Journal of Garmsar Free Social Sciences*, II (1).
- Nawabakhsh, Mehrdad; And Sabeti, Maryam. (2015). Designing and presenting a model to measure the impact of cultural capital on the dimensions of sustainable urban development with emphasis on clean energy. *Social Development Studies of Iran*, 8 (1 (Series 29)), 37-50.
- Nikkhah, Hedayatullah; And Zahrasadat, Ahmadi Bajestani. (2017). "Study of socio-cultural factors affecting the social participation of citizens of Bandar Abbas". *Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 6 (1), 159-184.
- Rahimi, H., et al. (2020). "Review and analysis of urban structure with emphasis on sustainable development using the AHP method." *Journal of New Attitudes in Human Geography* 12 (1): 683-704.
- Rigi, A. ۱., Et al. (2020). "Calibration of the economic role of border (land) corridors on sustainable urban development (Case study: Mirjaveh city)." *Journal of New Attitudes in Human Geography* 12 (2): 343-359.
- Rippon, Sarah; Beattie, Tara K.; Lungu, Kingsley; Kumwenda, Save; & Morse, Tracy. (2018). Social capital insights from Healthy Settings needs assessment in Malawi. *PLOS ONE*, 13(10), e0206156. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0206156>
- Sinakou, Eleni; Boeve-de Pauw, Jelle; Goossens, Maarten; & Van Petegem, Peter. (2018). Academics in the field of Education for Sustainable Development: Their conceptions of sustainable development. *Journal of Cleaner Production*, 184, 321-332. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.02.279>
- Sukhdev, Pavan. (2018). Social Capital-Definition, Characteristics and Evaluation Framework. GIST Advisory Private Ltd. [www.gistadvisory.com](http://www.gistadvisory.com).
- Uncle Khalili, Sajjad; Rashidi, Ahmad; And Pirdashti, Hussein. (2018). Investigating the role of public participation in improving the performance of urban space crisis management and the factors affecting it from the perspective of Rogers's theory of social participation in Behshahr. *Journal of Crisis Prevention and Management Knowledge Quarterly*, 8 (3), 255-268.
- Yamaguchi, Ayano; Kim, Min-Sun; Oshio, Atsushi; & Akutsu, Satoshi. (2017). Influences of Social Capital on Natural Disaster Research in Japan, 10(3), 46-54. <https://doi.org/10.5539/jsd.v10n3p46>.

**Presenting a model of factors affecting the socio-political participation of citizens in the implementation of sustainable development projects in urban areas (Case study of employees of the executive apparatus of Arak)**

**Fatemeh Iraqi Farahani**

Ph.D. Student in Political Sociology, Department of Sociology, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Mehrdad Nawabakhsh\***

Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Ibrahim Mottaqi**

Professor of Political Science, Dept. of International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran

---

**Abstract**

The present article was conducted with the aim of presenting a model of factors affecting the socio-political participation of citizens in the implementation of sustainable development projects in urban areas. In this research, urban development of Arak metropolis has been considered as a case study. The statistical population is the employees of the executive bodies of Arak in 2009. The sample size was 361 people according to Morgan sampling table, which was selected by random quota classification. Data collection tools were interviews with academic experts and a questionnaire of executives. The validity and reliability of the questionnaire were confirmed through factor analysis and Cronbach's tests. Achieving a coefficient above 0.70 in both cases indicates the stability of their measurement. Methods of data analysis are: utilization of descriptive statistics, structural equation tests, Sobel test. In this regard, PLS software was used to test the research model and hypotheses. The results showed that each set of social, cultural and economic factors was mediated by socio-political participation with sustainable urban development. But there was no relationship between political factors mediated by socio-political participation and sustainable urban development. At the same time, the set of factors affecting socio-political participation has a positive effect on sustainable urban development, the model of this effect was also tested and presented.

**Keywords: social, cultural, economic, political factors, sustainable development, socio-political participation**

---

---

\*. (Corresponding author) navabakhsh@srbiau.ac.ir